
پیامدهای
رحلت پیامبر اکرم
در نگاه شاهد آن ایام


بسم الله الرحمن الرحیم

پیامدهای رحلت پیامبر اکرم در نگاه شاهد آن ایام

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پیامدهای رحلت پیامبر اکرم در نگاه شاهد آن ایام

مشخصات کتاب

نویسنده : مجله حوزه

ناشر : مجله حوزه

مقدمه

رحلت پیامبر اکرم (ص) برای حکومت اسلامی و امت اسلام حادثه‌ای سخت و جانسوز بود. چنانکه امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید:«بابی انت و امی یـا رسول الله (ص) لقـد انقطع بموتک ما لم ینقطع بموت غیرک من النبوهٔ والانباء و اخبارالسـماء. خصـصت حتی صـرت مسـلیا عمن سواک و عممت حتی صـار النـاس فیک سواء و لولا انک امرت بالصبر و نهیت عن الجزع، لانفـدنا علیک ماءالشؤون. و لکان الـداء مماطلا و الکمـد محالفا و قلالک...؛ [۱] پـدر و مادرم فـدایت ای پیامبر خـدا، با مرگ تو رشـته‌ای پاره شد که در مرگ دیگران چنین قطع نشد و آن نبوت و فرود آمدن پیام و اخبار آسـمانی بود. مصیبت تو دیگر مصیبت دیدگان را تسلی دهنده ست یعنی پس از مصـیبت تـو دیگر مرگ هـا اهمیتی نـدارد. و از طرفی ایـن یـک مصیبت همگـانی است کـه عمـوم مردم به خـاطر تو عزادارند. اگر نبود که امر به صبر و شـکیبایی فرموده‌ای و از بی‌تابی نهی نموده‌ای آنقدر گریه می‌کردم که اشک هایم تمام شود. و این درد جانکاه همیشه در من می‌ماند و حزن و اندوهم دائمی می‌شد. که همه اینها در مصـیبت تو کم و ناچیز است.»سختی مصیبت رحلت پیامبر به قدری بود که امام علی می‌فرماید: «فضجت الدار الافنیهٔ؛ [۲] گویا در و دیوار خانه فریاد می‌زد.»

علل موفقیت پیامبر اکرم در زمان حکومت

شایـد تصور آن روز برای خیلی‌هـا امری مشـکل به نظر می‌رسـید، چرا که پیـامبر توانسـته بود در مـدت کمی علاوه بر ایجاد الفت و اخوت و صفا و صمیمیت بین مردم، حکومتی عدل گستر و نظامی قانونمند را پی ریزی کند که مردم خصوصا طبقه عامه از آن بهره منـد باشـند.چنانکه حضـرت امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید: «فانظروا الی مواقع نعم الله علیهم حین بعث الیهم رسولا. فعقد بملته طاعتهم. و جمع علی دعوته الفتهم، کیف نشـرت النعمـهٔ علیهم جنـاح کرامتهـا و اسالت لهم جـداول نعمتها والتفت الملـهٔ بهم فی عوائـد برکتها فاصبحوا فی نعمتها غرقین. و فی خصرهٔ عیشها فکهین. قد تربعت الامور بهم فی ظل سلطان قاهر. و آوتهم الحال الی کنف عز غالب، و تعطفت الامـور علیهم فی ذری ملـک ثـابت. فهم حکـام علی العـالمین و ملوک فی اطراف الارضـین یملکون الامـور علی من کان یملکها علیهم، و یمضون الاحکام فیمن کان یمضیها فیهم لاتغمزلهم قناهٔ ولا تقرع لهم صفاهٔ؛ [۳] حال به نعمت های بزرگ الهی که به هنگامه بعثت پیامبر اسلام (ص) بر آنان فرو ریخت بنگرید. که چگونه اطاعت آنان را دین خود پیوند داد. و با دعوتش آنها را به وحـدت رسانـد. چگونه نعمت‌های الهی بال های کرامت خود را بر آنان گستراند و جویبارهای آسایش و رفاه برایشان روان ساخت و تمـام برکـات آیین حق، آنهـا را در بر گرفت در میـان نعمت‌ها غرق شدنـد و در خرمی زنـدگانی شادمان. امور اجتماعی آنان در سایه حکومت اسـلام اسـتوار شـد. در پرتو عزتی پایدار آرام یافتند و به حکومتی پایدار رسـیدند. آنگاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدنـد و سـلاطین روی زمیـن گردیدنـد و فرمـانروای کسـانی شدنـد که در گذشـته حـاکم بودنـد و قـوانین الهی را بر کسـانی اجرا می‌کردند که مجریان احکام بودند و در گذشـته کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند.»

شمه‌ای از حالات فرصت طلبان عصر پیامبر اکرم

شرایط قبل از اسلام و حتی بعد از حکومت اسلامی پیامبر به گونه‌ای نبود که تمام کسانی که در جزیرهٔ العرب آن روز می‌زیستند از جان و دل تسلیم اوامر حکومت نبوی شوند و چه بسا بودند کسانی که نه از سر تسلیم بلکه از ناچاری به بیعت حکومت حضرتش درآمده بودند. و حتی کسانی که در حیات حضرت نتوانستند کاری کنند.چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «فاراد قومنا قتل نبینا واجتیاح اصلنا و هموا بنا الهموم و فعلوا بنا الافاعیل و منعونا العذب واحلسونا الخوف واضطرونا الی جبل وعر واوقدوا لنا نارالحرب فعزم الله لنا علی الذب عن حوزته والرمی من وراء حرمته؛ [۴] خویشاوندان ما از قریش می‌خواستند پیامبرمان (ص) را بکشند و ریشه ما را درآورند و در این راه اندیشه‌ها از سر گذراندند و هر چه خواستند نسبت به ما انجام دادند. و زندگی خوش را از ما سلب کردند. و با ترس و وحشت به هم آمیختند و ما را به پیمودن کوه‌های صعب العبور مجبور کردند و برای ما آتش جنگ افروختند. اما خدا خواست که ما پاسدار دین او باشیم و شر آنان را از حریم دین بازداریم.آنان منتظر رحلت پیامبر بودند تا بتوانند به مطامع نفسانی خود دست یازند.چنانکه امام علی (ع) خطاب به برادرش عقیل نوشتند: «فدع عنک قریشا و ترکاضهم فی الضلال و تجوالهم فی الشقاق و جماحهم فی التیه، فانهم قد اجمعوا علی حربی کاجماعهم علی حرب رسول الله (ص) قبلی...؛ [۵] قریش را بگذار تا در گمراهی بتازند و در جدایی سرگردان باشند. و با سرکشی و دشمنی زندگی کنند همانا آنان در جنگ با من متحد شدند آنگونه که پیش از من در نبرد با رسول خدا (ص) هماهنگ بودند.»البته بیانات پیامبراکرم (ص) در حق امیرالمؤمنین و در راس آنها در غدیر خم توانسته بود از شدت و حدت آن بکاهد.چنانکه حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند:«... کانکم لم تعلموا ما قال یوم غدیر خم، والله لقد عقد له (علی علیه‌السلام) یومئذ الولاء لیقطع منکم بذلک منها الرجاء...؛ [۶] گویا از آن چه رسول خدا (ص) در روز غدیر خم فرمود، آگاهی ندارید؟ سوگند به خدا که ایشان در آن روز ولایت و رهبری امام علی (ع) را مطرح کرد و از مردم بیعت گرفت تا امید شما فرصت طلبان تشنه قدرت را قطع نماید.»گروهی نیز توان و توفیق معرفت پیامبر و حکومت حضرتش را پیدا نکرده بودند. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:«قالت الاعراب آمنا، قل لم تؤمنوا ولکن قولوا اسلمنا و لما یدخل الایمان فی قلوبکم » [۷].

شرایط حاد و تاسف بار بعد از رحلت پیامبر اکرم

این عوامل و عواملی دیگر دست به دست هم داده بود تا بعد از رحلت پیامبر اکرم جامعه آن روز با مشکلات خاصی مواجه شود. چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید:«... حتی رایت راجعهٔ الناس قد رجعت عن الاسلام، یدعون الی محق دین محمد (ص) فخشیت ان لم انصر الاسلام و اهله ان اری فیه ثلما او هدما تکون المصیبهٔ به اعظم من ولایتکم...؛ [۸] تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد (ص) را نابود سازند. پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شماست.»

پیامدهای رحلت از لسان مبارک حضرت زهرا

در این مقال بنابر آن است که پیامدهای رحلت پیامبر اکرم (ص) از نگاه تنها یادگارش، حضرت فاطمه سلام الله علیها بیان شود. او که بضعهٔ الرسول است [۹] و به تعبیر امام علی (ع) بقیهٔ النبوهٔ [۱۰] است و به اعتراف دیگران، خیرهٔ النساء و ابنهٔ خیر الانبیاء، صادقهٔ فی قولک، سابقهٔ فی وفور عقلک است. [۱۱] .او که خلیفه اول در جمع مردم مدینه درباره‌اش چنین گفته است: انت معدن الحکمهٔ و موطن الهدی و الرحمهٔ و رکن الدین و عین الحجهٔ است. [۱۲] .و حتی عایشه نیز گفته است: «ما رایت احدا کان اصدق لهجهٔ من

فاطمهٔ الا ان یکون الذی ولدها.» [۱۳] .او که هم مردمان مکه و مدینه را دیده و هم شاهد حیات پیامبر اکرم (ص) بوده و هم در کنار پیامبر و حضرت امیر(ع) حوادث ریز و درشت عصر نبوت و روزهای بعد از رحلت و حوادث تلخ و دردناک آن ایام کوتاه را به دقت زیر نظر داشته است. آری او می‌تواند پیامدهای تاسف بار رحلت پیامبر را خوب بیان کند. در اینجا به مواردی از آنها می‌پردازیم:آن حضرت در خطبه فدکیه [۱۴] و خطبه‌ای که بعدا در جمع زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند [۱۵] ایراد فرموده‌اند، پیامدهای رحلت پیامبر را بیان می‌کنند از جمله آنها عبارتند از:۱. ایجاد ضعف و سستی در میان مردم.استومع وهنه «یا وهیه » [۱۶] .حضرت در خطبه‌ای که در حضور زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند نیز این امر را تذکر دادند و با تاسف فرمودند:«فقبحا لفلول الحد واللعب بعد الجد و قرع الصفاة؛ [۱۷] چه زشت است سستی و بازیچه بودن مردانتان پس از آن همه تلاش و کوشش.»۲. تفرقه و اختلاف به وجود آمد.«استنهر فتقه وانفتق رتقه؛ [۱۸] تشتت و پراکندگی گسترش یافت. و وحدت و همدلی از هم گسست.»استنهر از نهر به معنای وسعت و زیادی است، فتق به معنای جدایی و پاره پاره شدن است. انفتق از انفتاق یعنی شکافتن و رتق هم به معنای همبستگی و اتحاد است.در قرآن کریم نیز آمده است که: «ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما؛ [۱۹] (آیا کافران ندیدند) که آسمان ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم.»۳. امید و آرزوهای مسلمانان به ناامیدی تبدیل شد.آنان که به پیامبر اکرم (ص) و احکام عالیه اسلام ناب حضرتش دلخوش کرده بودند از نعمت دین الهی و حکومت اسلامی بهره مند گشته بودند. اکنون با دیدن حوادث بعد از آن حضرت مایوس شده و امیدشان به یاس مبدل گشت.«واکدت الامال » [۲۰] .۴. به حریم پیامبر بی حرمتی شد.«اضیع الحریم و ازیلت الحرمهٔ عند مماته؛ [۲۱] هنوز جسد مبارک پیامبر بر زمین است. در اجتماع سقیفه [۲۲] بدون نظرخواهی از خاندان پیامبر به تعیین جانشین برای آن حضرت می‌پردازند. و حق اهل بیت حضرتش را ضایع می‌کنند.چنانکه حضرت علی(ع) می‌فرماید:«فوالله ما کان یلقی فی روعی، ولا یخطر ببالی ان العرب تزعج هذا الامر من بعده (ص) عن اهل بیته ولا انهم منحوه عنی من بعده»؛ [۲۳] به خدا سوگند نه در فکرم می‌گذشت و نه در خاطرم می‌آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا از اهل بیت او بگردانند. یا مرا پس از وی از عهده دار شدن حکومت باز دارند.»و حتی در لحظات واپسین عمر حضرت و هنگام رحلت ایشان، هنگامی که قلم و لوحی طلب فرمودند به آن حضرت بی حرمتی کردند و ندای «فانه یهجر» سر دادند. [۲۴] .و مدتی هم از رحلت حضرت نگذشت که به در خانه تنها یادگارش آمدند و چه بی حرمتی ها که نکردند. چنانکه حضرت زهرا فرمود: یا ابتاه یا رسول الله هکذا کان یفعل بحبیبتک وابنتک.... [۲۵] .یا ابتاه یا رسول الله ماذا لقینا بعدک من ابن الخطاب وابن ابی قحافهٔ؛ [۲۶] بابا ای رسول خدا پس از تو از دست زاده خطاب و زاده ابی قحافه چه بر سر ما آمد. [۲۷] .۵. خط نفاق و دورویی آشکار شد.«ظهر فیکم حسکهٔ النفاق » [۲۸] .حضرت در جای دیگری از همین خطبه، با کنایه زیبایی به این نفاق افکنی پرداخته است و فرموده است:«تشربون حسوا فی ارتغاء و تمشون لاهله و ولده فی الخمر والضراء و نصبر منکم علی مثل حز المدی، و وخز السنان فی الحبشاء؛ [۲۹] شیر را اندک اندک با آب ممزوج نمودید و به بهانه این که آب می‌نوشید، شیر را خوردید. کنایه از نفاق است که تظاهر به عملی می‌شود که در واقع خلاف آن است [۳۰] و برای نابودی اهل بیت او در پشت تپه‌ها و درختان کمین کردید. و ما بر این رفتار شما که مانند بریدن کارد و فرو بردن نیزه در شکم، دردآور و کشنده است صبر می‌کنیم.»۶. دین و معنویت کم رنگ شد.«و سمل جلباب الدین » [۳۱] .«جلباب چادر یا عبایی که بدن انسان را می‌پوشاند، حضرت زهرا (س) تعبیر به جلباب دین فرموده. چون دین نیز تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد، همانگونه که چادر و عباء تمام بدن انسان را در بر می‌گیرد. [۳۲] .و در عبارتی دیگر فرموده‌اند: «... اطفاء انوار الدین الجلی و اهمال سنن النبی الصفی؛ [۳۳] به خاموش کردن انوار درخشان دین و بی‌اهمیت کردن و مهمل گذاردن سنت‌های پیامبر برگزیده خدا همت گماردید.»۷. مردم دچار بی‌تفاوتی شدند.حضرت خطاب به انصار که با جان و مال پیامبر را کمک کرده بودند چنین فرمودند:«یا معاشر الفتیهٔ و اعضاء الملهٔ، و حضنهٔ الاسلام ما هذه الغمیزهٔ فی حقی و السنهٔ عن ظلامتی؛ [۳۴] ای گروه جوانمرد،

ای بازوان ملت و یاوران اسلام، این غفلت و سستی و ضعف شما در حق من و تغافل و بی‌تفاوتی و خواب آلودگی درمورد دادخواهی من، چیست؟»۸. مردم پیمان شکنی کردند.فرمودند:«فانی حرتم بعد البیان و اسررتم بعد الاعلان و نکصتم بعد الاقدام؛ [۳۵] پس چرا بعد از بیان حق حیران و سرگردانید، و بعد از آشکار کردن عقیده پنهان کاری می‌کنید و بعد از آن پیشگامی و روی آوردن به عقب برگشته پشت نموده‌اید.»حضرت زهرا سلام الله علیها، در این فراز به حادثه غدیر اشاره می‌کند که پیامبر اکرم (ص) آن را برای مردم بیان فرمود و به آنها اعلام کرد و آنان نیز با علی (ع) بیعت کردند. اما اکنون بیعت خود را شکستند.۹. مردم دچار وسوسه‌های شیطانی شدند.«تستجیبون لهتاف الشیطان الغوی؛ [۳۶] به شیطان گمراه کننده پاسخ مثبت دادید.»و در جای دیگر از خطبه فرموده‌اند:«اطلع الشیطان راسه من مغزره هاتفا بکم فالفاکم لدعوته مستجیبین؛ [۳۷] شیطان سر خود را از مخفی گاه به در آورد. شما را فراخواند، دید که پاسخگوی دعوت باطل او هستید....»«مغزر» یعنی مخفی گاه. در اینجا شیطان به سنگ پشت و خارپشت تشبیه شده است. چون آن هم وقتی دشمن را می‌بیند، سرش را در لاک خود فرو می‌برد. اما وقتی که محیط را بدون خطر احساس کرد، سر خود را بیرون می‌آورد. شیطان نیز تا وقتی که پیامبراکرم (ص) زنده بودند، سرش را در لاک خود فرو برده بود و جرات نمی‌کرد خود را نشان دهد. ولی بعد از آن سرش را بیرون آورد و به تحریک مردم پرداخت. [۳۸] .۱۰. شتاب در شنیدن حرف های بیهوده و بی‌اساس.«معاشرالناس المسرعهٔ الی قیل الباطل المغضیهٔ علی الفعل القبیح الخاسر؛ [۳۹] ای گروه مردم که به سوی شنیدن حرف های بیهوده شتاب می‌کنید، و کردار زشت زیانبار را نادیده می‌گیرید.»۱۱. نطفه مظاهر فساد روئیدن گرفت.در پایان خطبه عیادت خطاب به زنان مهاجر و انصار فرمود:«اما لعمری لقد لقحت فنظرهٔ ریثما تنتج ثم احتلبوا ملء القعب دما عبیطا و ذعافا مبیدا؛ [۴۰] به جان خودم سوگند نطفه فساد بسته شد، باید انتظار کشید تا کی مرض فساد پیکر جامعه اسلامی را از پای درآورد که پس از این از پستان شتر به جای شیر خون بدوشید و زهری که به سرعت هلاک کننده است.۱۲. فرصت طلبان به سر کار آمدند.حضرت سلام الله علیها در فرازهایی از خطبه فدکیه به گروه های فرصت طلب که منتظر بودند تا بعد از رحلت پیامبر از موقعیت بهره برند پرداخته است. و ویژگی‌های آنها را نیز بیان فرموده است.

گروه های فرصت طلب

الف: گمراهان ساکت و منتظر.«نطق کاظم الغاوین؛ [۴۱] گمراهان خاموش به سخن درآمدند.»اینان که در حیات پیامبر جرات حرف زدن هم نداشتند با رحلت ایشان وارد میدان شدند. کسانی مانند ابوسفیان را می‌توان جزو این گروه نام برد.ب: فرومایگان بی نام و نشان.«و نبغ خامل الاقلین؛ [۴۲] آدم های پست و بی‌ارزش با قدر و منزلت شدند.»کسانی که نه از سابقه در دین و نه فداکاری در جنگ‌های پیامبر برخوردار بودند. به بهانه ترس از فتنه در حالی که بدن پیامبر بر زمین بود در تعیین خلیفه پیامبر مردم را تحریص می‌کردند.ج. شجاعان و دلاور مردان از اهل باطل.«و هدر فنیق المبطلین؛ [۴۳] شتر اهل باطل بانگ برآورد و در میدان‌های شما به جولان درآمد.»

ویژگی‌های فرصت طلبان

حضرت در جای دیگری از همین خطبه ویژگی‌های آنان را چنین بیان می‌کند.۱. در ظاهر ساکت و آرام بودند،«وادعون» فروگذاران.۲. اهل خوشگذرانی بودند، «فاکهون».۳. راحت طلب و رفاه زده بودند، «انتم فی رفاهیهٔ من العیش».۴. منتظر پیش آمد حوادث برای پیامبر و اهل بیت بودند، «تتربصون بنا الدوائر».۵. اخبار و رویدادها را دنبال می‌کردند، «تتولفون الاخبار».۶. در جنگ‌ها عقب نشینی و یا فرار می‌کردند، «تنکصون عند النزال و تفرون من القتال » [۴۴] .می‌توان با مطالعه تاریخ به عنوان نمونه ملاحظه کرد که در جنگ احد چه کسانی عقب نشینی کردند و یا فرار کردند و چه کسانی تا آخرین لحظات در کنار پیامبر اکرم

(ص) باقی بودند. [۴۵] .هر چند ممکن است با قدری دقت و تامل موارد دیگری از این پیامدهای تاسف بار را از بیانات حضرت زهرا (س) به دست آورد، اما در این نوشتار به همین دوازده مورد اکتفا می‌شود.متاسفانه جامعه امروز نیز با بعضی از این پیامدها گریبان گیر است. امید است با بهره گیری از اسلام ناب و مکتب اهل بیت علیهم السلام در پیرایش این آفات کوشا باشیم.در ترجمه عبارات: بیشترین استفاده از ترجمه نهج البلاغه و نهج الحیاهٔ آقای محمد دشتی شده است.

پاورقی

[۱] نهج البلاغه (صبحی صالح) خطبه ۲۳۵.

[۲] همان، خ ۱۹۷.

[۳] همان، خ۱۹۲، بندهای ۹۸ – ۱۰۲.

[۴] همان، نامه ۹.

[۵] همان، نامه ۳۶.

[۶] نهج الحیاهٔ فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، ۱۳۸، حدیث ۵۹.

[۷] حجرات (۴۹) آیه۱۴.

[۸] نهج البلاغه، نامه ۶۲.

[۹] بحارالانوار، ج۴۳، ص۲۳، حدیث ۱۷.]

[۱۰] الاحتجاج، (اسوه) ج۱، ص ۲۸۲.

[۱۱] همان، ۲۷۰.

[۱۲] همان، ۲۷۷.

[۱۳] الغدیر (دارالکتب آخوندی) ج۲، ص ۳۱۲.

[۱۴] این خطبه در منابع متعددی آمده است. از جمله: الاحتجاج طبرسی (چاپ اسوه) ج۱، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج۱۶، ص۲۱۱ به بعد. و در کتاب های مستقلی نیز ترجمه و شرح آن نوشته شده است از جمله: درس هایی از خطبه حضرت زهرا، حسینعلی منتظری. شرح خطبه حضرت زهرا در دو جلد. عزالدین حسینی زنجانی، قطره‌ای از دریا. علی ربانی گلپایگانی.

[۱۵] ر. ک به الاحتجاج، ج۱، بحارالانوار، ج۴۳، ص ۱۵۸ به بعد.

[۱۶] الاحتجاج، ج۱، ص ۲۷۰.

[۱۷] همان، ص ۲۸۷.

[۱۸] همان، ص ۲۷۰.

[۱۹] انبیاء، ۳۰.

[۲۰] الاحتجاج، ج۱، ص ۲۷۰.

[۲۱] الاحتجاج، ج۱، ص ۲۷۰.

[۲۲] درباره سقیفه از جمله ر. ک به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج۲، ص ۲۰ – ۶۰ و ج۶، صص ۵ – ۵۰.

[۲۳] نهج البلاغه، نامه ۶۲.

[۲۴] الارشاد شیخ مفید، ترجمه آقای رسولی محلاتی چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج۱، ص ۲۵۰.

[۲۵] نهج الحیاهٔ فرهنگ سخنان فاطمه سلام الله علیها، ۱۴۷.

[۲۶] همان، ۲۵۰.

[۲۷] امام علی، عبدالفتاح عبدالمقصود، (ترجمه به فارسی) ج ۱، ص ۳۲۸.

[۲۸] الاحتجاج، ج ۱، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

[۲۹] همان، ۲۶۶.

[۳۰] ر. ک به قطره‌ای از دریا، شرح خطبه حضرت زهرا، ۱۲۶.

[۳۱] الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۶۴.

[۳۲] درس هایی از خطبه حضرت زهرا، ص ۱۱۸.

[۳۳] الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۶۶.

[۳۴] همان، ۲۶۹.

[۳۵] همان، ۲۷۲.

[۳۶] همان ۲۶۶.

[۳۷] همان ۲۶۴.

[۳۸] درس هایی از خطبه حضرت زهرا، ص ۱۲۰.

[۳۹] الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۷۸.

[۴۰] همان، ص ۲۹۰.

[۴۱] همان، ص ۲۶۴.

[۴۲] همان، ص ۲۶۴.

[۴۳] همان، ص ۲۶۴.

[۴۴] همان، ص ۲۶۳.

[۴۵] ر. ک شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۵، صص ۲۰ - ۲۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰-

۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

